

نقش تعدیل کننده جنس در ارتباط بین سبک اسناد و پیشرفت تحصیلی

Mediating role of gender in relationship between attribution style and academic achievement

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۵/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۲۵

Pourmohammadrezayee Tajrishi M. PhD✉

معصومه پورمحمدرضای تجریشی ✉

Abstract

Introduction: The purpose of this study was to study the mediating role of gender in relationship between attribution style (positive and negative) and academic achievement in high school students.

Method: 233 junior high school students (118 girls and 115 boys) in Tehran selected randomly through multiphase cluster sampling. Subjects completed Peterson attribution style questionnaire. The average of mathematics, physics and chemistry scores in fall semester were used as an index of academic achievement. Data analyzed with two-way ANOVA.

Results: There was a significant relation ($p < 0.01$) between attribution style and academic achievement. There was a significant difference between girls and boys regarding to positive attribution. There was no significant relation between gender and negative attribution.

Conclusion: In comparison with gender, attribution style is a good predictor of academic achievement. The results are important for explaining school drop-out.

Keywords: Attribution Style, Gender, Academic Achievement, Student

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل کننده جنس در ارتباط بین سبک اسناد (با دو سطح مثبت و منفی) و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دبیرستان انجام شد.

روش: ۲۳۳ دانش آموز (۱۱۸ دختر و ۱۱۵ پسر) مشغول به تحصیل در سال سوم رشته ریاضی - فیزیک از دبیرستان های مناطق نوزده گانه آموزشی شهر تهران بر اساس نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای، به تصادف انتخاب شدند و پرسش نامه سبک اسناد پترسون را تکمیل کردند. هم چنین، میانگین نمره های دروس ریاضی، فیزیک و شیمی دانش آموزان در ترم اول به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد. نتایج با استفاده از تحلیل واریانس دو راهه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: بین سبک اسناد و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی دار ($p < 0.01$) وجود داشت؛ متغیر جنس موجب تغییرات معنی دار در میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارای سبک اسناد مثبت شد؛ ولی در میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارای سبک اسناد منفی، تغییرات معنی دار ایجاد نکرد.

نتیجه گیری: سبک اسناد در مقایسه با جنس، مقدار بیشتری از تغییرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی می کند و این یافته در تبیین افت تحصیلی واجد اهمیت است.

کلیدواژه ها: سبک اسناد، جنس، پیشرفت تحصیلی، دانش آموز

مقدمه

مفهوم "سبک اسناد" به سبک تبیینی اشاره می‌کند که افراد معمولاً برای رویداد معینی ارایه می‌دهند [۱]. اسناد، یکی از بحث‌برانگیزترین حوزه‌های پژوهش در روان‌شناسی است. سبک اسناد در بسیاری از زمینه‌های زندگی روزمره مانند افسردگی [۲]، عملکرد ورزشی [۳]، سلامت جسمانی [۴] و انتخاب‌های شغلی [۵] تلویحاتی دربرداشته است.

مطالعه اسناد در موقعیت‌های آموزشی نیز توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود معطوف نموده است. هاستون الگوهای اسنادی متعاقب موفقیت‌ها یا شکست‌های تحصیلی را مورد بررسی قرار داد [۶]. طبق الگوی بازنگری شده "استیصال اکتسابی" [۷]، سبک اسناد تعیین‌کننده این مطلب است که آیا شخص در معرض این خطر قرار دارد که سبک شناختی مرتبط با استیصال اکتسابی را ایجاد کند یا نه.

آبرامسون و همکاران به توصیف نوعی از نیم‌رخ انگیزشی پرداختند که با پیشرفت تحصیلی در تعامل است. به اعتقاد آنها وقتی رویدادی خوب یا بد به وقوع می‌پیوندد، افراد درصدد جستجوی علت آن برمی‌آیند. در ارزیابی این علت، سه بُعد مورد توجه قرار می‌گیرد: آیا علت، موقعیت‌های بسیار یا اندک را تحت تأثیر قرار داده است (کلی - خاص)؛ آیا علت، در زمان طولانی یا کوتاه ادامه خواهد یافت (پایدار - ناپایدار)؛ و سرانجام آیا علت رویداد به شخص یا موقعیت اسناد داده می‌شود (درونی - بیرونی) [۸]؟

دانش‌آموزانی که معمولاً برای رویدادهای بد، تبیین‌های درونی، پایدار و کلی ارایه می‌دهند احتمالاً کمتر از دانش‌آموزانی که رویدادهای بد را با توجه به علل بیرونی، ناپایدار و خاص تبیین می‌کنند به موفقیت تحصیلی دست می‌یابند. همچنین، دانش‌آموزانی که رویدادهای مثبت را با توجه به علل بیرونی، ناپایدار و خاص تبیین می‌کنند در مقایسه با دانش‌آموزانی که برای رویدادهای مثبت، تبیین‌های درونی، پایدار و کلی ارایه می‌دهند به احتمال کمتری به موفقیت تحصیلی نایل می‌گردند [۹].

در مطالعه ناکلینز، تری، مرتی - ولیماکی دلایل موفقیت و شکست در پیشرفت تحصیلی به دو طبقه اسنادهای درونی (توانایی و تلاش) و اسنادهای بیرونی (دشواری تکلیف و شانس) تقسیم شد. به اعتقاد آنها، اغلب اسنادهای مربوط به تلاش، ناپایدار و مهارپذیر هستند؛ برخلاف اسنادهای مرتبط با توانایی که معمولاً پایدار و مهارناپذیرند [۱۰]. پژوهش‌های بعدی، راهبردهای یادگیری را به‌عنوان پنجمین دلیل موفقیت و شکست شناسایی کردند [۱۱]. نتایج پژوهش چان و برخی از پژوهشگران نشان می‌دهد که نوجوانان سرآمد، به احتمال بیشتر، شکست را به فقدان تلاش و نه توانایی پایین اسناد می‌دهند [۱۰، ۱۱، ۱۲].

مفهوم استیصال اکتسابی برای بسیاری از دانش‌آموزان دارای مشکلات یادگیری کاربرد دارد. دانش‌آموزان به دلایل متفاوتی در مدرسه شکست می‌خورند و نسبت به توانایی‌های یادگیری خود، تردید می‌کنند و موفقیت‌های تحصیلی را مهارناپذیر در نظر می‌گیرند. این باورها موجب ناکامی و انجام ندادن تکالیف مدرسه می‌شود. عدم تلاش و پافشاری به شکست‌های بعدی و تقویت عقاید منفی می‌انجامد. در نتیجه، دانش‌آموزان موفقیت‌های خود را معلول وضع بیرونی (آسان بودن تکلیف، خوش‌شانسی، یاری‌رسانی معلم) قلمداد می‌کنند و شکست‌ها را به توانایی پایین (اسناد درونی، پایدار، کلی) نسبت می‌دهند که به‌طور منفی، کفایت شخصی، انگیزش و پیشرفت را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۱۳].

مروری بر پژوهش‌های مرتبط با سبک اسناد و جنس نشان می‌دهد که در موقعیت‌های پیشرفت، دخترها بیش از پسرها در مانده می‌شوند و اغلب در تکالیف آزمایشگاهی رتبه‌های پایین‌تر یا عملکرد ضعیف‌تری را برای خود پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، از تکالیف چالش‌انگیز یا تکالیفی که مهارت آنها را می‌آزماید اجتناب می‌ورزند. در مقابل، پسرها تمایل ندارند در موقعیت‌های تحصیلی، شکست خود را به دلیل بی‌صلاحیتی در نظر بگیرند، بلکه آن را ناشی از عوامل مهارپذیر یا متغیر مانند انگیزش و شانس می‌دانند. پسرها در موقعیت شکست، بیشتر پافشاری می‌کنند، عملکرد خود را افزایش می‌دهند و تمایل به انتخاب تکالیف چالش‌انگیز دارند. افزون بر آن، موفقیت خود را بیشتر به توانایی‌های خود نسبت می‌دهند [۱۴، ۱۵، ۱۶].

به‌رغم تفاوت‌های جنسی مرتبط با اسناد که در سطور پیشین به آنها اشاره شد، هنگامی که دانشجویان کالج مورد بررسی قرار گرفتند تفاوت‌های جنسی در اسنادهای شخصی مشاهده نشد [۱۷، ۱۸، ۱۹]. در مطالعه ورن و کمپیل، زنان آمریکایی شرکت‌کننده در المپیاد شیمی در مقایسه با مردان، توانایی را عامل مهم‌تری برای موفقیت در نظر گرفتند. با وجود این، در مورد عامل تلاش، تفاوتی بین دو جنس به‌دست نیامد [۲۰].

از آنجایی که سبک اسناد وقایع مهارناپذیر و بازخورد اسنادی می‌تواند باورها و رفتارهای وابسته به عملکرد تحصیلی را تحت تأثیر قرار دهد، پژوهش حاضر درصدد تعیین این مطلب بود که آیا می‌توان سبک اسناد منفی (بیرونی، خاص، ناپایدار) دانش‌آموزان را به‌عنوان عاملی که پیشرفت تحصیلی را کاهش می‌دهد در نظر گرفت. از سوی دیگر، با توجه به نتایج ناهمخوان در ارتباط با نقش بالقوه تعدیل‌کننده جنس در اسنادها، بررسی این موضوع که آیا پیشرفت تحصیلی دختران بیشتر از پیشرفت تحصیلی پسران تحت تأثیر سبک اسناد مثبت قرار می‌گیرد یا نه، دومین هدف پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. با توجه به اهداف پژوهش، ضرورت انجام آن در توجیه بسیاری از شکست‌های تحصیلی

۷ در نوسان باشد. پرسش‌نامه به‌گونه‌ای تنظیم شده است که اسنادهای مثبت (خاص، ناپایدار، بیرونی) نمره‌های کمتر و اسنادهای منفی (کلی، پایدار، درونی) نمره‌های بیشتر به‌دست می‌آورند.

فرم اصلی پرسش‌نامه سبک اسناد به‌وسیله بیگدلی به فارسی برگردانده شد و در اختیار یکی از اساتید انگلیسی‌زبان قرار گرفت تا مجدداً به زبان اصلی ترجمه شود (با این کار تا حدودی اعتبار صوری وسیله اندازه‌گیری تأمین شد). فرم ترجمه‌شده به زبان انگلیسی با فرم اصلی هم‌تا بود. اجرای مقدماتی فرم فارسی با ۲۰ آزمودنی نشان داد که آنها در درک موقعیت‌ها مشکلی ندارند [۲۲]. هماهنگی درونی پرسش‌نامه در مورد سه بُعد در نمونه ۱۰۰ نفری از دانشجویان، ضریب آلفای کرونباخی در دامنه ۰/۴۴ تا ۰/۶۹ داشت [۲۱].

برای اندازه‌گیری میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در این پژوهش، میانگین نمره‌های دروس ریاضی، فیزیک و شیمی آنها در ترم اول محاسبه شد. پس از انتخاب گروه نمونه و جلب اعتماد دانش‌آموزان و کسب رضایت آنها، دانش‌آموزان هر دبیرستان بین ساعت‌های ۹ تا ۱۲ صبح به‌طور گروهی پرسش‌نامه سبک اسناد را تکمیل کردند. پس از جمع‌آوری پاسخ‌نامه‌ها، برای موقعیت‌های خوشایند، نمره هر بُعد از طریق حاصل جمع درجه‌بندی‌های مربوط به آن بُعد محاسبه و سپس با تقسیم آن بر عدد ۶ (تعداد موقعیت فرضی خوشایند) به‌دست آمد. در مورد موقعیت‌های ناخوشایند نیز همین عمل تکرار شد. سپس از تفاضل نمره‌های کلی موقعیت‌های خوشایند و ناخوشایند، نمره سبک اسناد هر فرد در پرسش‌نامه به‌دست آمد که دامنه تغییرات آن برای نمونه دختران بین ۸/۱ تا ۱۲/۶ و برای نمونه پسران بین ۷/۲ تا ۹/۹ بود. پس از نمره‌گذاری و به‌دست آمدن توزیع نمرات سبک اسناد آزمودنی‌ها، افرادی که در ۳۰٪ بالای این توزیع قرار داشتند به‌عنوان افراد دارای سبک اسناد مثبت (بیرونی، ناپایدار، خاص) و افرادی که در ۳۰٪ پایین این توزیع قرار داشتند به‌عنوان افراد دارای سبک اسناد منفی (درونی، پایدار، کلی) در نظر گرفته شدند. نمره‌های افرادی که در ۴۰٪ میانی توزیع قرار داشتند مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار نگرفت. بنابراین با توجه به دو متغیر پیش‌بین جنس (با دو سطح دختر و پسر) و سبک اسناد (با دو سطح منفی و مثبت) در پژوهش حاضر، چهار گروه متشکل از ۱۲۷ آزمودنی به شرح ذیل از یکدیگر مجزا شدند:

۱) آزمودنی‌های پسر با سبک اسناد مثبت ($n=34$)؛ ۲) آزمودنی‌های پسر با سبک اسناد منفی ($n=32$)؛ ۳) آزمودنی‌های دختر با سبک اسناد مثبت ($n=31$)؛ و ۴) آزمودنی‌های دختر با سبک اسناد منفی ($n=30$).

از آنجایی که در مطالعه حاضر، دسترسی به اطلاعاتی درباره اثرهای اصلی و تعاملی بین متغیرها مورد نظر بود با توجه به

دانش‌آموزان و واکنش‌های عاطفی ناشی از این شکست‌ها احساس می‌شود. همچنین، یافته‌های این مطالعه می‌تواند برای بسیاری از سازمان‌های آموزشی و تربیتی به‌منظور تبیین پدیده اُفت تحصیلی، استفاده عملی داشته باشد.

روش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای پس‌رویدادی است. در این مطالعه، عامل سبک اسناد دارای دو سطح منفی و مثبت و عامل جنس نیز شامل دو سطح دختر و پسر بود و میزان پیشرفت تحصیلی به‌عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد.

جامعه آماری این پژوهش را تمامی دانش‌آموزان سال سوم رشته ریاضی- فیزیک دبیرستان‌های مناطق نوزده‌گانه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۸۷ تشکیل دادند. گروه نمونه مورد مطالعه مشتمل بر ۲۳۳ دانش‌آموز (۱۱۸ دختر با میانگین سنی ۱۶/۶۱ و ۱۱۵ پسر با میانگین سنی ۱۶/۹۲) بود که براساس نمونه‌برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای (خوشه‌های منطقه، دبیرستان، کلاس) به‌گونه تصادفی انتخاب شدند. توزیع دانش‌آموزان در مناطق مختلف (چهار منطقه آموزشی ۱۴، ۹، ۷، ۵) از ۲۶ نفر (مناطق ۵ و ۷) تا ۳۳ نفر (منطقه ۱۴) متغیر بود.

برای اندازه‌گیری سبک اسناد نمونه‌های مورد بررسی، از پرسش‌نامه سبک اسناد (ASQ) استفاده شد. این پرسش‌نامه وسیله خودگزارش‌دهی است که نخستین بار برای اندازه‌گیری تبیین‌ها و اسنادهای افراد برای وقایع مهارناپذیر (خوشایند و ناخوشایند) به‌وسیله پترسون، سمل، وون بایر، آبرامسن، متالسکی و سلیگمن ساخته شد. نمره‌های حاصل از این پرسش‌نامه، نشان‌دهنده تفاوت‌های فردی در زمینه گرایش افراد به اسناد علل وقایع خوشایند و ناخوشایند به عوامل درونی (در مقابل بیرونی)، پایدار (در مقابل ناپایدار) و کلی (در مقابل خاص) است [۲۱].

پرسش‌نامه سبک اسناد به توصیف دوازده موقعیت فرضی می‌پردازد. نیمی از موقعیت‌ها شامل وقایع خوشایند و نیمی دیگر شامل وقایع ناخوشایند است. از دوازده موقعیت فرضی، شش موقعیت در زمینه پیوندجویی و شش موقعیت در زمینه پیشرفت است. بدین ترتیب پرسش‌نامه مشتمل بر چهار مقیاس فرعی، الف) موقعیت‌های پیشرفت با پیامد خوشایند؛ ب) موقعیت‌های پیشرفت با پیامد ناخوشایند؛ ج) موقعیت‌های پیوندجویی با پیامد خوشایند؛ و بالاخره د) موقعیت‌های پیوندجویی با پیامد ناخوشایند است.

برای هر موقعیت، سه سؤال مبنی بر علت عمده آن موقعیت وجود دارد و آزمودنی در هر سؤال علت واقع یا رویداد را در امتداد مقیاسی ۷ درجه‌ای، رتبه‌بندی می‌کند. هر سؤال بیانگر یکی از ابعاد سه‌گانه "درونی- بیرونی"، "پایدار- ناپایدار" و "کلی- خاص" است. بنابراین نمره هر سؤال در هر بُعد می‌تواند بین ۱ تا

گروه نمونه دختران بیشتر از گروه نمونه پسران بود. نکته دیگری که در این نمودار به چشم می‌خورد این است که میزان تفاوت در متغیر وابسته در دو گروه دختران و پسران دارای سبک اسناد مثبت بیشتر و شیب تندتر نمودار مربوط به این افراد حاکی از همین مسأله بود.

اطلاعات حاصل از تحلیل واریانس دوره‌ها مربوط به آزمون اثرهای اصلی و تعاملی بین متغیرها در جدول ۲ ارائه شده است. نتایج ارائه شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که در مورد متغیر جنس، اثر اصلی وجود داشت. به سخن دیگر، بین اندازه‌های متغیر وابسته (میزان پیشرفت تحصیلی) در دو گروه دختران و پسران تفاوت معنی‌دار ($p < 0/01$) وجود داشت و این مقادیر در گروه دختران بیشتر بود.

جدول ۲ خلاصه اطلاعات حاصل از تحلیل واریانس دوره‌ها برای بررسی

اثر متغیر جنس (A) و سبک اسناد (B) و میزان پیشرفت تحصیلی (متغیر وابسته)

منبع تغییر	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	F	مجذور امگا
جنس (A)	۱۱۷/۹۱	۱۱۷/۹۱	۱۶/۸۲*	۰/۰۹۴
سبک اسناد (B)	۲۲۴/۲۷	۲۲۴/۲۷	۳۱/۹۹*	۰/۱۸۴
جنس × سبک اسناد (AB)	۱۷/۵۹	۱۷/۵۹		۲/۵۱
خطا (درون گروهی)	۸۱۳/۰۵			۷/۰۱

* $p < 0/01$

برای تشخیص قدرت ارتباط سطوح متغیر جنس با متغیر وابسته، شاخص مجذور امگا محاسبه شد که برابر با ۰/۰۹۴ بود. طبق نتایج حاصل از تحلیل واریانس دوره‌ها، در مورد متغیر سبک اسناد نیز اثر اصلی وجود داشت. به سخن دیگر، بین اندازه‌های متغیر وابسته (میزان پیشرفت تحصیلی) در افراد با سبک اسناد مثبت و منفی تفاوت معنی‌دار ($p < 0/01$) وجود داشت و این مقادیر در دختران و پسران دارای سبک اسناد مثبت، بیشتر بود. در واقع، میزان پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دارای سبک اسناد مثبت (بیرونی، ناپایدار، خاص) بیشتر از این میزان در دانش‌آموزان دارای سبک اسناد منفی (درونی، پایدار، کلی) بود. با توجه به مجذور امگای محاسبه‌شده برای سبک اسناد و جنس می‌توان بیان کرد که ۱۸٪ از واریانس متغیر وابسته را سبک اسناد و ۹٪ آن را متغیر جنس پیش‌بینی می‌کند.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، اثر تعاملی دو متغیر سبک اسناد و جنس بر میزان پیشرفت تحصیلی معنی‌دار نبود. بنابراین، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری، نخستین فرضیه پژوهش را مبنی بر این که "دانش‌آموزان دارای سبک اسناد منفی در مقایسه با دانش‌آموزان دارای سبک اسناد مثبت از پیشرفت تحصیلی پایین‌تری برخوردارند" تأیید می‌کند.

شرایط حاکم بر پژوهش، از روش تحلیل واریانس دوره‌ها با فراوانی خانهای برابر (تعداد افراد در هر خانه ۳۰ نفر) استفاده شد. بنابراین ۷ نفر به گونه تصادفی از کل چهار گروه حذف شدند تا فراوانی خانها با یکدیگر برابر شود.

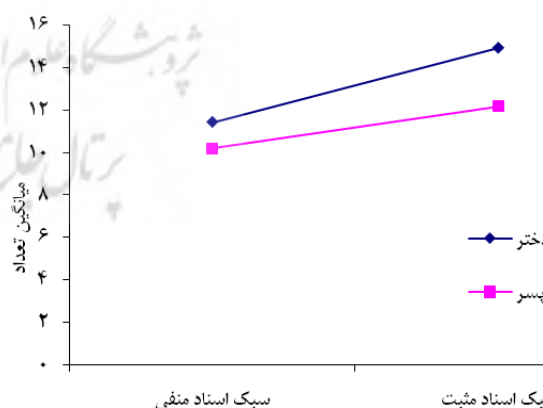
یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی میزان پیشرفت تحصیلی دو گروه مختلف آزمودنی‌ها با دو نوع سبک اسناد منفی و مثبت در جدول ۱ مشخص شده است. نتایج مندرج در جدول ۱ بیانگر آن است که میزان تغییرات پیشرفت تحصیلی با توجه به دو سطح سبک اسناد در گروه نمونه دختران بیشتر از گروه نمونه پسران بود. همچنین، میزان تفاوت در پیشرفت تحصیلی در دو گروه دختران و پسران دارای سبک اسناد مثبت بیشتر از همین میزان در دو گروه دارای سبک اسناد منفی بود.

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد میزان پیشرفت تحصیلی بر حسب

جنس	سبک اسناد مثبت		سبک اسناد منفی	
	میانگین انحراف استاندارد	میانگین انحراف استاندارد	میانگین انحراف استاندارد	میانگین انحراف استاندارد
دختر	۱۴/۹۳	۲/۹۳	۱۱/۴۳	۲/۶۱
پسر	۱۲/۱۸	۲/۶۸	۱۰/۲۱	۲/۳۴

میزان پیشرفت تحصیلی در گروه‌های دارای سبک اسناد منفی و مثبت در دو گروه دختران و پسران در نمودار ۱ به نحو بارزتری نمایان است.



نمودار ۱ نمایش اثرهای ساده سبک اسناد و جنس بر پیشرفت تحصیلی

همان‌طور که در نمودار ۱ به وضوح مشخص است میزان پیشرفت تحصیلی در گروه دختران دارای سبک اسناد مثبت (بیرونی، ناپایدار، خاص) بالاتر از این میزان در گروه پسران دارای سبک اسناد منفی (درونی، پایدار، کلی) بود. همچنین، میزان تغییرات پیشرفت تحصیلی با توجه به دو سطح سبک اسناد در

و انجام ندادن تکالیف مدرسه می‌شود. عدم تلاش به شکست‌های بعدی و تقویت عقاید منفی منجر می‌شود. در نهایت، دانش‌آموزان موفقیت‌های خود را معلول وضع بیرونی قلمداد می‌کنند و شکست‌های خود را به توانایی پایین (اسناد منفی یا درونی، کلی، پایدار) اسناد می‌دهند و سبک اسناد منفی، کفایت شخصی، انگیزش و پیشرفت را کاهش می‌دهد [۱۲]. در واقع، احساس مهار در فرد، موجب افزایش انگیزه، تلاش، پافشاری در انجام تکالیف دشوار و متعاقب آن پیشرفت تحصیلی می‌شود [۱۳]. اهمیت این یافته هنگامی آشکار می‌شود که بدانیم طبق نظریه بازنگری شده استیصال اکتسابی، در اغلب موقعیت‌ها احتمالاً اسنادهای پایدار و کلی در مقایسه با اسنادهای ناپایدار و خاص موجب تضعیف عملکرد فرد می‌گردند. اگرچه، نشانه‌های استیصال، هنگامی تجربه می‌شوند که شخص برای شکست خود، اسنادهای بیرونی ارائه می‌دهد [۲۴، ۲۵]. نتایج بسیاری از پژوهش‌ها این یافته را که سبک اسناد مثبت (بیرونی، ناپایدار، خاص) بر پیشرفت تحصیلی، تأثیر چشم‌گیر دارد مورد تأیید قرار داده‌اند [۷، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۲۶].

نتیجه دیگر پژوهش حاضر این است که در گروه دختران، سبک اسناد موجب تفاوت در میزان پیشرفت تحصیلی می‌شود. به سخن دیگر، میزان پیشرفت تحصیلی در گروه دختران دارای سبک اسناد مثبت بیشتر از این میزان در گروه دختران دارای سبک اسناد منفی است. لازم به یادآوری است که این یافته بر نقش بالقوه تعدیل‌کننده جنس در ارتباط بین سبک اسناد و پیشرفت تحصیلی تأکید می‌ورزد و با مطالعه دوک مینی بر این‌که دختران کلاس هشتم تمایل دارند شکست‌های خود را به عدم توانایی (اسناد درونی، پایدار، کلی) اسناد دهند و متعاقب آن، عملکرد آنها در تکالیف شناختی نقصان می‌یابد همخوانی دارد. افزون بر آن، وقتی تصور می‌شود که افراد شکست‌های خود را به جای عدم توانایی به عدم تلاش (ناپایدار، خاص) اسناد دهند عملکرد آنها به بهبودی می‌گراید [۲۷]. برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که در گروه پسران، سبک اسناد موجب تفاوت در پیشرفت تحصیلی می‌شود. به بیان دیگر، پیشرفت تحصیلی در گروه پسران دارای سبک اسناد مثبت بیشتر از این میزان در پسران دارای سبک اسناد منفی است. اما این تفاوت به اندازه تفاوتی که در گروه نمونه دختران مشاهده می‌شود نیست. شاید بتوان در تبیین این یافته اشاره کرد که پسران بیشتر گرایش دارند شکست‌های خود را به عدم تلاش (اسناد خاص و ناپایدار) نسبت دهند [۷، ۲۵].

برخی از پژوهش‌ها به تفاوت‌های جنسی پایدار در سبک اسناد اشاره کرده‌اند، به نظر می‌رسد که این تفاوت‌ها در سنین پایین‌تر وجود داشته باشند [۷] و تا سطوح بالاتر مدیریتی ادامه یابند [۱۶]. کراس و مارکوس خاطر نشان کرده‌اند که مردان و زنان به‌طور پایدار، متفاوت از یکدیگر رفتار می‌کنند. از آنجایی که

نتایج حاصل از تحلیل واریانس دوره‌ها برای بررسی اثرهای ساده در مورد متغیرهای جنس با دو سطح دختر و پسر و سبک اسناد با دو سطح منفی و مثبت و میزان پیشرفت تحصیلی در جدول ۳ نمایان شده است.

جدول ۳) خلاصه اطلاعات حاصل از تحلیل واریانس دوره‌ها برای بررسی اثرهای ساده در مورد متغیرهای جنس با دو سطح دختر (a1) و پسر (a2) و سبک اسناد با دو سطح منفی (b1) و مثبت (b2) و میزان پیشرفت تحصیلی

منبع تغییر	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F
سبک اسناد دختران (B برای a1)	۱۸۳/۷۵	۱۸/۷۵	۲۶/۲*
سبک اسناد پسران (B برای a2)	۵۸/۱۱۵	۵۸/۱۱۵	۸/۲۹*
جنس با سبک اسناد منفی (A برای b1)	۲۲/۱۹	۲۲/۱۹	۳/۱۷
جنس با سبک اسناد مثبت (A برای b2)	۱۱۳/۳	۱۱۳/۳	۱۶/۱۶*
خطا	۸۱۳/۰۵	۷/۰۱	

* $p < 0.01$

در گروه دارای سبک اسناد مثبت، میزان پیشرفت تحصیلی بین دو گروه دختران و پسران تفاوت معنی‌داری ($p < 0.01$) داشت، اما بین پیشرفت تحصیلی دختران و پسران دارای سبک اسناد منفی، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. البته میزان پیشرفت تحصیلی دختران دارای سبک اسناد منفی بیشتر از میزان پیشرفت تحصیلی پسران دارای سبک اسناد منفی کاهش یافت ولی این میزان از لحاظ آماری معنی‌دار نبود.

بنابر نتایج به‌دست‌آمده، دومین فرضیه پژوهش مبنی بر این‌که "میزان پیشرفت تحصیلی دختران با سبک اسناد منفی کمتر از میزان پیشرفت تحصیلی پسران با سبک اسناد منفی است" تأیید نمی‌شود.

بحث

یکی از نتایج عمده پژوهش این است که اثر سبک اسناد مثبت (بیرونی، ناپایدار، خاص) بر پیشرفت تحصیلی ناشی از عامل شانس و تصادف نیست و بین میانگین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارای سبک اسناد مثبت و دانش‌آموزان دارای سبک اسناد منفی (درونی، پایدار، کلی) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. در واقع، میانگین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با سبک اسناد مثبت بیشتر از این مقدار در دانش‌آموزان با سبک اسناد منفی است. نولن هوکسما، گیرگاس و سلیگمن نشان دادند که دانش‌آموزان به دلایل متفاوتی در مدرسه شکست می‌خورند، نسبت به توانایی‌های یادگیری در خود تردید دارند و موفقیت‌های تحصیلی را مهارناپذیر در نظر می‌گیرند. این عقاید موجب ناکامی

شکست، توانایی‌های شخصی خود را سرزنش کنند (اسناد درونی و پایدار) [۲۷، ۳۲].

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر ضمن برجسته ساختن اهمیت متغیر جنس در ارتباط بین سبک اسناد مثبت (بیرونی، خاص، ناپایدار) و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، آگاهی معلمان را نسبت به چگونگی تبیین دانش‌آموزان از رویدادها و علل موفقیت و شکست آنها افزایش می‌دهد. همچنین، نتایج پژوهش می‌تواند راهگشای متولیان آموزش و پرورش در برنامه‌ریزی راهبردهای مداخله‌ای به‌منظور افزایش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان به‌هنگام لزوم باشد.

محدود شدن تعداد افراد شرکت‌کننده پس از انتخاب افراد در ۳۰٪ نمره‌های بالا و پایین توزیع سبک اسناد و تفاضل آن از تعداد کل شرکت‌کنندگان به‌منظور تأمین گروه‌های دارای سبک اسناد منفی و مثبت؛ طیف سنی و رشته تحصیلی گروه نمونه؛ در نظر نگرفتن سایر عوامل مرتبط با پیشرفت تحصیلی افزون بر سبک اسناد (از جمله توانایی مقابله افراد با رویدادها) از محدودیت‌های پژوهش حاضر به‌شمار می‌روند و پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با لحاظ کردن این موارد، غنای اطلاعات و توان تعمیم‌پذیری نتایج افزون گردد. همچنین، ضرورت انجام پژوهش‌هایی احساس می‌شود که بتواند سبک اسناد را در مجموعه متنوعی از موقعیت‌های آموزشی که در آنها اسناد پیش‌بینی‌کننده پیشرفت است مورد بررسی قرار دهد تا در زمینه شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر شکست تحصیلی مؤثر واقع گردد.

تشکر و قدردانی: در پایان لازم می‌دانم از کمک‌های بی‌دریغ خانم نادیا دشتی‌پور و آقایان دکتر پرویز آزادفلاح و دکتر ایمان‌اله بیگدلی تقدیر و تشکر نمایم.

منابع

- 1- Lippa RA. Introduction to social psychology. 2nd ed. California: Wadsworth Publication Company; 1990.
- 2- Volpe N, Levin R. Attributional style, dreaming and depression. *Pers Individ Dif.* 1998;5:1051-61.
- 3- Seligman MEP, Nolen-Hoeksema S, Thornton N, Thornton KM. Explanatory style as a mechanism of disappointing athletic performance. *Psychol Sci.* 1990;1:143-6.
- 4- Dua JK. Retrospective and prospective psychological and physical health as a function of negative affect and attributional style. *J Clin Psychol.* 1995;51:507-18.
- 5- Corr PJ, Gray JA. Relationship between attributional style and lie scores in an occupational sample motivated to fake good. *Pers Individ Dif.* 1995;18:241-52.
- 6- Houston DM. Gloomy but smarter: The academic consequences of attributional style. *Br J Soc Psychol.* 1994;33:433-41.

به‌نظر می‌رسد این الگوی تفاوت‌های جنسی پایدار و همگانی باشد، این امکان وجود دارد که زنان دارای تصویر ذهنی فرهنگ‌آموخته باشند که به‌آسانی با تعاریف مردان آشتی‌پذیر نیست [۲۹]. مطالعه گاتمن در تأیید تصویر ذهنی فرهنگ‌آموخته، نتایجی را گزارش می‌دهد و بیانگر آن است که زنان با افزایش سن، بیشتر دوجنسیتی می‌شوند. این مطلب در جوامع متنوع و دوره‌های زمانی صادق است [۳۰].

شواهدی دال بر عدم تفاوت بین دو جنس از لحاظ سبک‌های اسنادی وجود دارند. کمپیل و هنری نشان دادند که در سبک اسناد کلی تفاوتی بین دو جنس وجود ندارد. درحالی‌که بر خلاف پژوهش‌های قبلی در دانشجویان کالج، نتایج نشان دادند که در تبیین‌های خاص ارایه‌شده برای عملکرد در یک دوره، بین دو جنس تفاوت وجود دارد. اگرچه، تلاش به‌عنوان عمده‌ترین تبیین برای عملکرد در یک دوره به‌وسیله دانشجویان انتخاب شد، زنان به‌طور معنی‌دار بیشتر از مردان، تلاش را انتخاب کردند. همچنین، زنان به احتمال کمتر از مردان عملکرد خود در یک دوره را به توانایی اسناد دادند [۱۵]. شاید بتوان این یافته را با فرض *وایی* و *کریتین‌دان* تبیین کرد، مبنی بر این که زنان با پیچیدگی نقش جنسی مواجه می‌شوند که در آن خصیصه‌های مرتبط با تخصص واقعاً در تعارض با خصیصه‌های مرتبط با زنانگی قرار می‌گیرد. مؤلفان اخیر، نشان داده‌اند که وقتی از مردان تحصیل‌کرده خواسته می‌شود که همکاران فرضی تازه‌کار خود را درجه‌بندی کنند، به همکاران زن که الگوی اسنادی زنانه ارایه می‌دادند در مقایسه با همکاران زن که الگوی اسنادی مردانه ارایه می‌دادند نمره زنانگی بیشتر و نمره تخصص حرفه‌ای پایین‌تر دادند. شاید بتوان گفت در مطالعه آنها بر دانشجویان کالج، زنان هنوز فرصت دستیابی به هویت حرفه‌ای را نیافته‌اند و بنابراین الگوی اسنادی زنانه نشان می‌دهند [۳۱].

اگرچه هدف اولیه پژوهش حاضر، مقایسه کردن توانایی و تلاش در تبیین موفقیت نبود، اما همان‌طور که کمپیل چهار ویژگی افراد موفق را شامل توانایی، انضباط، اعتماد و خوب کار کردن می‌داند، بنابراین سطح بالای تلاش به‌عنوان علت موفقیت بیانگر آن است که افراد برای انجام تکلیف نیازمند تلاش هستند. با وجود این، به‌نظر می‌رسد که افراد برای متقاعد شدن در مورد این که توانایی دستیابی به موفقیت را دارند نیازمند تأیید هستند [۳۲]. همان‌گونه که *آلدرمن* پیشنهاد می‌کند، این وظیفه معلم یا مربی است که یادگیرنده را متقاعد کند که توانایی به‌دست‌آمده از مهارت یا دانش، کیفیتی ناپایدار دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که توانایی، اغلب به‌عنوان اسناد پایدار و مهارت‌پذیر در نظر گرفته می‌شود [۱۱]. بنابراین، موافق با بعضی از نظریه‌پردازان اسناد [۲۷]، بدترین وضعیت هنگامی رخ می‌دهد که افراد در مواجهه با

- Annual Meeting of American Educational Research Association. New Orleans: LA; 2000.
- 21- Peterson C, Semmel A, VonBaeyer C, Abramson LY, Metalsk GI, Seligman MEP. The attributional style questionnaire. *Cognit Ther Res.* 1982;6(3):287-300.
- ۲۲- بیگدلی ایمان‌اله. بررسی آزمایشی سبک اسناد در الگوی درماندگی آموخته‌شده [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد]. تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس؛ ۱۳۷۳.
- 23- Baron A, Byrne D. *Social psychology: Understanding human interaction.* USA: A Division of Simon and Schuster Inc; 1991.
- 24- Wu W, Chen J. A follow-up study of Taiwan physics and chemistry Olympians: The role of environmental influences in talent development. *Gifted Talent Int.* 2001;16(1):16-26.
- 25- Ciarrochi J, Heaven PCL, Davies F. The impact of hope, self-esteem and attributional style on adolescents' school grades and emotional well-being: A longitudinal study. *J Res Pers.* 2007;41(6):1161-78.
- 26- Schunk DH, Ertmer PA. Self-regulation and academic learning. In: Boekaerts PR, Pintrich M, editors. *Handbook of self-regulation.* San Diego: Academic Press; 2000.
- 27- Dweck C. *Self theories: Their role in motivation, personality and development.* Philadelphia: Psychology Press; 1999.
- 28- Khodayarifard M, Anshel MH, Brinthaup TM. Relationships between attributional style and trait anxiety for preadolescent Australian boys and girls. *Aust J Edu Dev Psychol.* 2006;6:26-38.
- 29- Cross SE, Markus HR. Gender in thought, belief and action: A cognitive approach. In: Beall AE, Sternberg RJ, editors. *The psychology of gender.* New York: Guilford Press; 1993.
- 30- Gutman D. *Reclaimed powers: Toward a new psychology of men and women in later life.* New York: Basic Books; 1987.
- 31- Wiley MG, Crittenden KS. By your attributions, you shall be known: Consequences of attributional accounts for professional and gender identities. *Sex Roles.* 1992;27(6):259-76.
- 32- Campbell JR. Early identification of mathematics talent has long-term positive consequences for career contributions. *Int J Educ Res.* 1996;25(6):497-522.
- 7- Bridges KR. Using attributional style to predict academic performance: How does it compare to traditional methods? *Pers Individ Dif.* 2001;31(5):723-30.
- ۸- دادستان پربرخ. روان‌شناسی مرضی تحولی: از کودکی تا بزرگسالی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت؛ ۱۳۸۲.
- 9- Abramson LT, Seligman MEP, Teasdale JD. Learned helplessness in humans: Critique and reformulation. *J Abnorm Psychol.* 1978;87(11):49-74.
- 10- Nokelainen P, Tirri K, Merenti-Valimaki H. Investigating the influence of attribution styles on the development of mathematical talent. *Child Q.* 2007;51(1):64-81.
- 11- Alderman K. *Motivation for achievement: Possibilities for teaching and learning.* Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum; 2004.
- 12- Chan L. Motivational orientations and metacognitive abilities of intellectually gifted students. *Child Q.* 1996;40:184-93.
- 13- Nolen-Hoeksema S, Girgus JS, Seligman MEP. Learned helplessness in children: A longitudinal study of depression, achievement and explanatory style. *J Pers Soc Psychol.* 1986;51(2):435-42.
- 14- Garber J, Seligman MEP. *Human helplessness: Theory and applications.* London: Academic Press; 1980.
- 15- Campbell CR, Henry JW. Gender differences in self-attributions: Relationship of gender to attributional consistency, style and expectations for performance in a college course. *Sex Roles.* 1999;41(1-2):95-104.
- 16- Rosenthal P. Gender differences in managers' attributions for successful work performance. *Manage Rev.* 1995;10(6):26-31.
- 17- Petiprin GL, Johnson ME. Effects of gender, attributional style and item difficulty on academic performance. *J Psychol.* 1991;12(1):45-50.
- 18- Sterling RC, Yeisley-Hynes D, Little SG, Cater JR. The effects of initial level of self-esteem, gender and task outcome on causal attribution and affective arousal. *J Soc Psychol.* 1992;132(4):561-4.
- 19- Travis CB, Phillip RH, Henley TB. Gender and causal attributions for mastery, personal and interpersonal events. *Psychol Women Q.* 1991;15:233-249.
- 20- Verna M, Campbell JR. Career orientations for American chemistry Olympians. Paper Presented at the